

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دگرمن احمد قندهاری

۱۲ جنوری ۲۰۲۲

امیر عبدالرحمان مستبد یا مقتدر؟

امیر عبدالرحمان خان مسبب محدودیت سرحدات جغرافیای افغانستان تحت رهبری حکومت بریتانوی هند بود و در بدل شناسائی سلطنت، همه تعهدات یک جانبه امیر دوست محمد خان و امیر محمد یعقوب خان را با انگلیسیها مهر تأیید گذاشت و نیروهای ملی و آزادی خواهی ضد انگلیسی را سرکوب نمود.

مراسلات امیر عبدالرحمان خان در سازش با انگلیس ها :

این مراسلات امیر همزمان با شکست انگلیس ها و پیروزی جنگ میوند به رهبری غازی محمد ایوب خان می باشد .

در این زمینه امیر عبدالرحمان خان در تاج التواریخ می نویسد:

تاج التواریخ فصل هفتم صفحه ۱۷۱ - ۱۷۶ .

در متن فقط ویراستاری املائی صورت گرفته است!

بعد از فتح مناطق شمال و رهائی زندانیان شمال اعم از انانث و ذکور امیر می نویسد :

«روز بعد وارد قندوز شدم عساکر آنجا یکصد و یک توپ به جهت ورود من شلیک نموده از دیدار من خیلی مشعوف شده دوصد نفر صاحبمنصب هائی را که دشمن بودند به حضور آوردند به این خیال که به جهت خوشنودی من آنها را به قتل می رسانند من اجازه نداده به این حکم دادم آنها را رها نمایند روز دیگر وقتی مشغول دیدن سان توپخانه بودم شخصی نزدیک آمده سلام کرد و خود را برروی پاهای من انداخت تعجب کردم کیست او را بلند کرده ملتفت شدم که مشارالیه (محمدسرورخان) پسر (ناظرحیدر) است که در شهر سمرقند از نزد من رفته بود ابتداء مشارالیه خیلی اظهار ندامت از حرکت خود نمود بعد از آنکه به او گفتم ترا بخشیدم گفت حامل مراسله از کابل به هت شما کاغذی آورده ام و از کوه (هندوکش) که در آنجا سردی و برف زیاد بود عبورنموده ام مراسله مذکور را گرفته گشودم مضمونش به قرار ذیل است :

(دوست محترم من سردار عبدالرحمان خان بعداز تبلیغات رسمیه و آرزومندی مژده سلامتی اطلاعاً زحمت افزا می شود که دولت انگلیس از استماع این که شما به سلامتی وارد قندهار [قطغن] شده اید مشعوف هستند و خشنود خواهند شد بدانید شما از روسیه بچه قسم حرکت نموده اید و اراده خیالات شما چیست دوست شما گریفن صاحب).

چون اول این مذاکرات من با دولت انگلیس بود خیال کردم صحیح نیست بدون مشورت با عساکر خودم جواب این مراسله را بدهم و از اشخاص مفسد بیم داشتم که شاید بگویند اسباب چینی دارم که مملکت آنها را با انگلیسیها تسلیم نمایم

و این فقره باعث تمامی من خواهد بود و نیز دانستم موقعی به دست آمده است که بتوانم بفهمم در باب مرادوات خارجه ملت من تا چه اندازه اقتدار به من خواهند داد لهذا مراسله مذکور را به آواز بلند به جهت لشکر خودم قرائت نموده گفتم مشعوف خواهم شد اگر سرکرده ها در نوشتن جواب این مراسله با من معاونت نمایند زیرا که می خواهم بدون این که قبلاً با دوستان تازه خود مشورت نموده باشم اقدام در کاری بنمایم و از همه شما خواهشمندم در نوشتن جواب همراهی نمائید . دو روزه مهلت خواستند روز سوم تقریباً یک صد کاغذ نوشته نزد من آوردند مضمون بعضی از این قرار بود (ای ملت انگلیس باید از مملکت ما خارج شوید شما را بیرون خواهیم کرد یا جان خود را در سر اینکار خواهیم گذاشت) دیگری چنین نوشته بود (قبل از این که با شما شامل مذاکره شویم باید غرامت خسارت و ضرر هائی که با افغانستان وارد آورده اید بدهید) دیگری نوشته بود (باید صد کرور روپیه غرامت خراب کردن توپها و قلعه جات ما را بدهید و الا نخواهیم گذاشت یک نفر انگلیس زنده به پشاور برسد چنانچه در زمان سابق چنین کردیم) یک نفر از سرکرده ها نوشته بود (ای کفار غدار شما هندوستان را به مکر و فریب متصرف شده اید و حالا می خواهید افغانستان را هم به همین قسم به هندوستان ملحق نمائید تا وقتی که قوه داشته باشیم دفاع خواهیم کرد بعد دولت دیگری مثل دولت روس با ما ملحق خواهد شد که به مخالفت شما جنگ نمائیم) خلاصه تمام این مزخرفات را نزد من آوردند * همه را به آواز بلند خواندم بعد از آن اظهار داشتیم من هم جوابی در حضور شما می نویسم تا شما خیال نکنید قبلاً با کسی مشورت کرده ام کاغذ و قلمی برداشته از خداوندی که پروردگار همه مخلوقات است مسألت نمودم که به من الهام نماید جواب سزاواری بنویسم پس از آن در حضور هفت هزار نفر از افغانه و اوزبیک بقرار ذیل نوشتم (اینجانب سردار عبدالرحمان خان به دوست محترم خود کریفمن صاحب نماینده دولت برتانیة عظمی سلام فراوان می رساند از وصول مراسله محبت آمیز شما و از این که سالمأ وارد قطغن شده ام اظهار مسرت فرموده بودید مشعوف گردیدم در جواب سؤالی که مرقوم داشته بودید که از روسیه به چه قسم حرکت نموده ام اظهار می دارم که من با اجازه جنرال کافمن فرمانروای دولت روس از روسیه حرکت نموده ام و اراده من از این اقدام فقط اینست که در این پریشانی و اشکالات زیاد از ملت خود همراهی نمایم زیاده والسلام - تاج التواریخ صفحه ۱۹۸ چاپ ۱۳۷۳ هجری شمسی) مراسله مذکور را به آواز بلند به جهت عساکر خودم قرائت نموده سؤال کردم آیا جوابی که نوشته ام پسند دارید یا خیر؟ جواب دادند ما حاضریم تحت فرمان شما به جهت حفاظت مذهب و مملکت خود جنگ نمائیم ولی نمی دانیم با سلاطین بچه قسم باید مکالمه کرد بعد از آن به خدا و رسول قسم یاد نموده اختیار کامل به من دادند که هر چه مناسب بدانم بنویسم و صدای خود را به یاد چهار یار بلند نموده گفتند این مراسله که نوشته اید جواب صحیحی است و همه ما ها به این جواب متفق هستیم. وقتی این جواب را پسندیدند مراسله مذکور را به (محمدسرور خان) دادم مشارالیه بعد از توقف چهار روز از (قندوز) عازم کابل گردید من هم با آهستگی به طرف (چاریکار) در حرکت بودم و ضمناً پیغام شفاهی هم به صاحب منصبان انگلیس مقیم کابل فرستادم به این مضمون که من (به چاریکار) می آیم که با شما قراری در کار ها بدهم در ماه جمادی الاول سنه ۱۲۹۷ کریفمن صاحب مجدداً کاغذی به من نوشته سعی نمود مرا وادارد به کابل رفته عنان سلطنت افغانستان را به دست بگیرم در ماه جمادی الثانی سنه ۱۲۹۷ جواب مراسله او را به قرار ذیل نوشتم (دوست عزیز من از دولت انگلیس امید زیاد داشته و دارم و دوستی شما تصدیق صحت و اندازه خیالات مرا می نماید شما از عادات اهالی افغانستان بخوبی مطلع می باشید که حرف یک شخص تا زمانی که باو مطمئن نباشند که به جهت بهبودی آنها مذاکره می نمایند ثمری ندارد مردم می خواهند قبل از آن که به من اجازه بدهند عازم کابل شوم جواب سؤالات ذیل را بداند سؤالات به قرار ذیل است :

(۱) حدود مملکت من تا کجا خواهد بود

(۲) آیا قندهار هم داخل ممالک مذکور خواهد بود

(۳) آیا نفر فرنگی یا انگلیس در افغانستان خواهد ماند

(۴) دولت انگلیس توقع دارند کدام دشمن ایشان را دفع نمایم

(۵) دولت انگلیس چگونه منافعی را و عده می دهد که به من و اهالی مملکت من عاید دارد

(۶) در عوض چگونه خدماتی توقع دارند

جواب این سؤالات را باید به ملت خود بدهم و قبلاً از ملت خود معلوم نمایم که با چه اندازه می توانیم در این کار اقدام کنم آنوقت شرایط عهدنامه را که پذیرفتن و اجرای آن ممکن باشد به صوابدید آنها قبول خواهیم کرد و از خداوند امید داریم که این ملت و من روزی متفق شده به شما خدمت نمایم اگرچه دولت انگلیس محتاج این خدمات نیست ولی باز هم احتمال دارد مواقع لازمه فراهم آید) به مدد خداوندی مردم دسته دسته می آمدند هم عهد می شدند و حاضر بودند همه گونه خدمات با جان و مال بنمایند لهذا تا زمانی که از پنجشیر وارد (چاریکار) شدم تقریباً سیصد هزار غازی جمع شده به من ملحق گردید شکر خداوندی را بجای آوردم که اینقدر مردم را تابع میل من نموده و همه آنها خیلی خوشنود و مشعوف هستند که مرا پادشاه آینده خود می شناسند و همه وعده دادند که از روی اخلاص به شما خدمت نموده با دولت برتانیه جنگ خواهیم نمود به آنها گفتم لزومی ندارد به مخالفت دولت برتانیه بکنجید زیرا که انگلیسها مرا دعوت نموده اند قبول سلطنت کابل را نمایم در ماه رجب ۱۲۹۷ مجدداً کریفمن صاحب جواب سؤالات مرا به قرار ذیل فرستاد. (به من امر شده است که از دولت هندوستان در باب سؤالاتی که نموده اید به شما جواب ابلاغ نمایم اولاً در باب این که حکمران کابل با دولت های خارجه چه مناسبات خواهد داشت چون دولت انگلیس اجازه نمی دهد دول خارجه در افغانستان حق مداخله داشته باشند و دولت روس و دولت ایران قول داده اند که به کلی از دخالت در امورات پولیتیکی احتراز داشته باشند. واضح است که حکمران کابل غیر از دولت انگلیس با هیچ دولت خارجه نمی تواند روابط پولیتیکی داشته باشد و اگر یکی از دولت های خارجه بخواهد در افغانستان مداخله نماید و مداخله مذکور منجر به تعدیات بیموجب نسبت به حکمران کابل شود آنوقت دولت انگلیس حاضر خواهد بود از امیر افغانستان معاونت نماید و اگر لازم شود دولت مذکور را دفع نماید مشروط این که امیر مذبور در باب روابط خارجی خود به صلاحیت دید دولت انگلیس رفتار نماید. ثانیاً در باب حدود مملکت افغانستان به من امر شده است اظهار بدارم که تمام ولایت قندهار به حکمران مستقلی تفویض شده است غیر از محلات بشک و سببی که به تصرف خود دولت انگلیس خواهد بود علیهذا دولت انگلیس در این مسائل و در باب قرارداد حدود مغربی و شمالی افغانستان که به امیر سابق (محمد یعقوب خان) داده است نمی توانید تجدید مذاکراتی با شما بنمایید به این مستثنیات دولت انگلیس با لیستی که شما اقتدار کامل و بسیط خود را بر افغانستان چنانچه قبلاً امرای خانواده شما داشته اند مستحکم نمائید و در تصرف هرات دولت نمی تواند به شما اطمینان بدهد ولی از اقداماتی که خودتان خواسته باشید به جهت تصرف نمودند هرات به عمل آورید. دولت مشارالیه ممانعتی ندارد و دولت انگلیس نمی خواهد در امورات داخلی این مملکت دخالت نماید و این ها را هم از شما نمی خواهد که سفیری که انگلیس باشد در هیچ جائی از افغانستان اجازه اقامت مگر به جهت سهولت مراودات متعارفی و دوستانه بین این دولت همجوار مزین مصلحت خواهد بود که بر حسب قرارداد یکنفر وکیل مسلمان از جانب دولت انگلیس در کابل اقامت نماید) بعد از یک هفته جوابی مختصری نوشتم ولی در باب مجری داشتن قندهار از مملکت افغانستان راضی نشدم با این دلیل که قندهار خانواده سلطنتی افغانستان می باشد و بدون همچو شهری افغانستان بیقدر خواهد بود و توکل بر خدا نموده از محال کوهستان داخل (چاریکار) شدم از این که تعداد زیاد از غازیها دور من جمع می شدند عساکر انگلیس مضطرب بودند سردارهای کوهستان و کابل و اشخاصی که به مخالفت انگلیسها می جنگیدند

هر روزه آمده به من ملحق گردیده هم عهد می شدند و اشخاصی که نمی توانستند بیایند به وسیله مراسلات یا به وسایل دیگر با من مراودات داشته جاسوسهای من از کابل اطلاع دادند که صاحب منصبان انگلیس در باب خیالات من نسبت با آنها متحیرند - در ماه شعبان ۱۲۹۷ تمام سردار ها و سرکرده های طوایف افغانستان که حاضر بودند در (چاریکار) مرا به پادشاهی افغانستان پذیرفتند و اسم مرا در خطبه نمودند و مردم مشعوف بودند که خداوند مملکت آنها را به دست حکمران اسلامی خود شان داده است .

کریفمن صاحب هم در کابل مقارن به همین اقامت منعقد داشته در حضور صاحب منصبان انگلیس و سرداران افغانستان امارت مرا اعلان نموده نطق ذیل را بیان کرده بود .

(وضع امورات حالت سردار عبدالرحمان خان را به جایی رسانیده است که مطابق میل و خواهش دولت انگلیس است لهذا فرمانفرمای هندوستان و رجال دولت اعلحضرت ملکه انگلیستان و امپراطریس هندوستان مشعوف هستند که اعلان نمایند سردار عبدالرحمان خان نواده امیرمعظم (امیردوست محمد خان) را با امارت افغانستان می شناسیم و این فقره به جهت دولت انگلیس اسباب خوشنودی است که طوائف و سرکرده های آنها شخص ممتازی را از خانواده بارکزائی که مرد شجاع معروف و مجرب و عاقلی می باشد انتخاب نموده اند خیالات امیرمعظم الیه نسبت به دولت انگلیس به انتها درجه دوستی است و تا زمانی که حکومتش ظاهر دارد که این خیالات در قلبش زنده است به دولت انگلیس ثابت نماید این خواهد بود که با رعایای خودش که به ما خدمت نموده اند به طور رفاقت سلوک نماید.)»

یادداشت :

امیر عبدالرحمان خان در تبنانی به معاونت های انگلیس ها به پیروزی رسید و با شعار مبارزه به ضد انگلیسها مبارزان و مجاهدان را به دور خود جمع نمود، ولی بر خواسته های آزادیخواهان و غازیان به نفع انگلیس ها با حيله گری سیاسی پای نهاد و توسط انگلیس ها به پادشاهی و یا امیر امارت افغانستان شناسائی گردید .

شناسائی پادشاهی و یا امارت امیر توسط انگلیسها مترادف با شکست آنها در جنگ تاریخی میوند و پیروزی غازی محمد ایوب خان می باشد و از جوانب نامه کریفن استنباط می گردد که ولایت هرات و قندهار را به امیر واگذار می شوند تا در واپس گیری قندهار از غازی محمد ایوب خان و برادران در هرات بجنگند و با ارتش متجاوز انگلیس هم رکاب و ممد باشد .

در محتوای این مراسلات از سرزمین های آنطرف خط دیورند یادآوری نشده و از تعهد امیر محمد یعقوب خان به تعیین سرحدات شمال شرق و شرق افغانستان به امیر عبدالرحمان خان جهت تأیید و پذیرفتن آن معاهده ننگین تذکر داده شده که امیر آن را مجدداً متعهد شد .

و مآله سیاست خارجی افغانستان هم مطابق خواست انگلیس ها بوده و امیر عبدالرحمان خان آن را دستاورد برای خودش می داند .

در زمینه مطالبات انگلیس ها از امیر عبدالرحمان خان همان مطالباتی می باشد که در از زمان سلطنت امیر شیرعلی خان مجدداً دیکته شده که امیر شیرعلی خان همیشه از موضع استقلالیت به خواست های انگلیس ها جواب رد ارائه می نمود .

امیر شیرعلی خان همیشه در تلاش بود که هم وحدت سیاسی و هم استقلالیت خارجی را حفظ نماید و خاک های از دست رفته را از انگلیس ها واپس گیرد که بدین ملحوظ انگلیس ها در تحریک و اغتشاش توسط فرزندان و برادران او پلان های ریفورم امیر شیرعلی خان را به عقب زد و سبب سقوط دور دوم پادشاهی وی گردید .

افغانستان در مسیر تاریخ صفحه ۵۹۷ :

«وقتی که امیر شیرعلی خان در سال ۱۸۶۳ پادشاهی خودش را اعلام نمود ، انگلیسیها به شکل تماشاجی باقی ماندند . ولی همین که جنگهای داخلی افغانستان مشتعل گردید و امیر شیرعلی خان در هرات رفت ، انگلیسها در ۱۸۶۷ نوبه دادند که اگر امیر تمایلی به ایران نشان دهد حکومت انگلیس علناً به تقویه رقبای امیر (برادران و برادرزاده هایش) خواهد پرداخت در حالی که امیرشیرعلی خان با قوت داخلی خود این خانه جنگی ها را خاتمه داد و در ۱۸۶۸ از تاج پوشی دوم خود به حکومت انگلیسی هند و روسی آسیای مرکزی اعلام نمود .»

۱۱ جنوری ۲۰۲۲